

جامع نگری در اهداف حکومت دینی

غفارشاهدی^۱

چکیده

بررسی و تبیین اهداف حکومت دینی به منظور شناخت و قضاوت صحیح درباره آن ضروری به نظر می رسد. پیرامون این مسأله دیدگاههای متعددی مطرح شده است که مهمترین آنها دیدگاه مادیگرا، معناگرا و جامع نگر است. در این مقاله پس از بررسی دیدگاههای مذکور، دیدگاه جامع نگر به عنوان دیدگاه قابل دفاع، پذیرفته شده و با روش درون دینی یعنی مراجعه به آیات و روایات و از طریق بررسی اهداف بعثت انبیاء که اهداف حکومت دینی نیز به شمار می رود مورد بررسی قرار گرفته و سرانجام ثابت گردید که حکومت دینی در پی دو دسته اهداف است:

۱. تأمین کمال مادی. ۲. تأمین کمال معنوی. برای حکومت دینی هر دو دسته، از اهداف اصلی اند (فرعی نیستند) به این صورت که هدف دوم هدف نهایی است و هدف نخست، مقدمه واجب رسیدن به هدف نهایی (هدف دوم) است لذا به عنوان هدف اصلی مورد توجه حکومت دینی قرار می گیرد.

واژه‌های کلیدی: جامع نگری - اهداف اصلی - هدف نهایی - اهداف بعثت - حکومت دینی - کمال مادی.

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

۱. مقدمه

حکومت‌ها از نظر اهداف به سه نوع تقسیم می‌شوند:

۱) حکومتی که هدف آن تامین نمایانگه شخصي يك يا چند فرد است (هيئت يا هيئات حاكمه) و اصولا ملت و آراء ملت هيچ ارزشي ندارد. همچنان كه مصالح و حقوق واقعي آنها بي ارزش است. بنابر اين اين حق آن است كه حاكم يا هيئت حاكمه بخواهد و باطل آن است كه آنها خوش ندارند.

تمام حكومت‌هاي استبدادي از اين قسمند كه براي آنها حكومت هدف است (نه وسيله) لذا از حاكم در اين نوع حكومت‌ها تعبير به ملك و سلطان مي شود كه به معنای تملك يا سلطه گري است يعني با رياست بر مردم غريزه تفوق طلبی، سلطه جویی، كاميابی و لذت پرستی خود را اشباع نمايند.

۲) حكومتی كه هدف آن تامین خواسته‌هاي مردم است و ملاك خواست مردم، خواست اكثريت است كه با نصف بعلاوه يك تحقق مي پذيرد.

قهرآدر چنين حكومتی خواست اقليت كه گاهي ممكن است نصف منهاي يك باشد نادیده گرفته مي شود. و وظيفه حكومت نيز، پيروي از خواسته‌هاي عمومي است و لو خواسته ملت بر خلاف مصلحت واقعي آنها باشد يعني معيار حق و باطل خواست اكثريت است.

۳) حكومتی كه هدف آن تامین مصالح و منافع واقعي ملت و اجراي حق و عدالت است. كه اين حق و عدالت در مواردی ممكن است غير از خواست اكثريت مردم باشد. در چنين حكومتی شالوده نظام و حكومت و قانون حاكم بر جامعه، از طرف خدا تعيين مي شود خدایي كه عالم به تمام مصالح واقعي مردم در تمام ابعاد رندگي است بنابر اين حكومت وظيفه دارد مصالح و نيازهاي واقعي جامعه را تامین و حفظ نمايد.

در اين نوع از حكومت، از حاكم به عنوان امام و والي ياد مي شود. والي به معنای پيوستگي است. ۲. زيرا والي امور مردم را عهده دار است و با آنها پيوسته است و مكلف به تكليف الهي مي باشد. و خود طلايه دار حركت است كه معمولا بر پيشوايان صالح و عادل

و بر حق اطلاق می‌شود.

حکومت دینی به معنای حکومتی که در آن قانون الهی حاکم است و حاکمان آن با اذن الهی به اجرای قانون خداوند می‌پردازند از کدام قسم محسوب می‌شود؟ آیا اهداف آن تامین مصالح واقعی مردم است یا خیر؟ اگر چنین است این مصالح واقعی، کدام است و چگونه تامین می‌گردد؟ آیا مصالح دنیوی است یا آخروی و یا هر دو؟
باتوجه به گرایش جدیدی که درمجامع علمی نسبت به حکومت دینی بعدازشکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران بوجودآمده است تبیین صحیح اهداف حکومت دینی به منظورشناخت کاملتر آن ضروری به نظر می‌رسد.

پیشفرض مادراین تحقیق این است که بابررسی اهداف بعثت انبیاء در قرآن و روایات می‌توان به پاسخ صحیح پرسش مقاله رسید. بنابراین روش تحقیق، روش درون دینی است به این صورت که ابتداء بامراجعه به آیات و روایات به بررسی اهداف بعثت انبیاء بویژه پیامبر اسلام (ص) که در بردارنده اهداف حکومت دینی است می‌پردازیم و سپس با جمع‌بندی آن به پاسخ صحیح سئوالات مذکور خواهیم رسید.

۲. اهداف حکومت دینی در قرآن

اهداف حکومت دینی را در متون دینی باید در پرتو اهداف بعثت جستجو و اثبات کرد زیرا اهداف حکومت دینی در طول اهداف بعثت انبیاء الهی قرار دارد. دلیل این ادعا این است که اهدافی چون اقامه عدل و گسترش توحید و شکستن زنجیرهای اسارت و استقرار امنیت و .. که از اهداف بعثت به شمار می‌روند جز در سایه تشکیل حکومت دینی تحقق کامل نمی‌یابند

خداوند در ترسیم سیمای حکومت صالحان می‌فرماید:

حج/ ۴۱: کسانی که چون آنان را در زمین قدرت و توانی (حکومت) دهیم. نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و فرجام همه کارها از آن خداست.

بنابراین تشکیل حکومت دینی به منظور تحقق کامل اهداف بعثت از آرزوهای

درازمدت انبیاء بوده و آنها در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی کردند (سیره پیامبر اسلام (ص) بهترین گواه این ادعاست).

هرچند بسیاری از پیامبران به دلیل مساعد نبودن شرایط، موفق به تشکیل حکومت دینی نشدند و در نتیجه بسیاری از اهداف بعثت نیز در زمان آنها تحقق خارجی نیافت اما تشکیل حکومت دینی همواره از مطالبات آنان بوده است.

آل عمران/۱۴۶: چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند... این آیه به خوبی بیانگر اهتمام پیامبران به امور اجتماعی و سیاسی دوران خویش است. همچنانکه حضرت شعیب هدف از رسالت خویش را اصلاح جامعه می دانست: ان ارید الا الاصلاح ما استطعت. (هود/۸۸) و هر یک از پیامبران نیز با مهمترین مفسد اجتماعی زمان خود به مبارزه بر می خواستند، همه این موارد نشان دهنده این است که پیامبران در صدد نابودی کلیه مفسد اجتماعی بودند و به صورت جدی و عملی تا جایی که قدرت داشتند این کار را انجام می دادند و به موعظه بسنده نمی کردند.

ما در اینجا به برخی از اهداف بعثت که در قرآن بیان شده است اشاره می نماییم .

۲.۱. دعوت به توحید و استقرار خداپرستی در زمین

انبیاء آیه ۲۵: «ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست پس تنها مرا پرستش کنید».

نحل آیه ۲۶: «ما در هر امتی پیامبری را برانگیختیم تا مردم، خدا را پرستند و از طاغوت دوری کنند».

مهمترین هدف تمام پیامبران توحید و دعوت به تمام مراتب آن بود زیرا بین تمام مراتب توحید تلازم وجود دارد بنابراین انبیاء مردم را به توحید کامل و دوری از تمام مظاهر شرک دعوت می نمودند. و لازمه پذیرش توحید کامل نیز، نفی طاغوت و حکومت های غیر الهی است.

۲.۲. اقامه عدل

حدید آیه ۲۵: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب

(آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند...».

طبق این آیه هدف از بعثت پیامبران و انزال کتب و ادیان، اقامه عدل و قسط معرفی شده است یعنی مردم خود مسئول برپایی قسط و عدل در زندگی باشند اما برای آن که مردم قسط را برپا دارند ضروری است که از ولی امر منصوب از جانب خدا تبعیت نموده و برای او فرصت اقامه عدل و قسط را فراهم سازند.

اجرای عدالت یعنی اجرای احکام شرع، و چون احکام شرع در واقع و نفس‌الامر عادلانه تشریح شده‌اند، بنابراین هدف حکومت دینی که همان هدف انبیاء است اجرای عدالت و تضمین اجرای احکام اسلام است.

امام خمینی (ره) نیز در این باره می‌گوید: «خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیاء را ما می‌فرستادیم بینات به آنها دادیم آیات به آنها دادیم میزان برایشان دادیم و فرستادیم، ليقوم الناس بالقسط، غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند عدالت اجتماعی در بین مردم باشد ظلم از بین برود...» (۵، ج: ۵، ص: ۱۴۶)

۲.۳. حکم نمودن به حق

ص آیه ۲۶: «ای داود ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی نکن که تو را از خدا منحرف سازد...» در این آیه حکم کردن به حق و احقاق حقوق، نتیجه خلافت حضرت داود بیان شده است که همان جلوگیری از هرگونه تجاوز، و گرفتن حق ضعفا از اغنیاء است البته این تنها هدف حکومت داود نبود بلکه هر حکومت الهی در هر زمان و مکان دارای چنین هدفی می‌باشد.

۲.۴. تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت

جمعه آیه ۲: «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنها کتاب (قرآن) و

حکمت می آموزد و مسلما پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».

در این آیه به سه هدف از اهداف پیامبران و حکومت دینی اشاره شده است:

۱) تزکیه: به معنای پاک شدن و ایجاد رشد و نمو است. (پاکی توأم با رشد) « یعنی مردم را به نمودی صالح رشد دادن و اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان کردن» (۱۳، ج ۱۹، ص: ۴۴۷) که همان ایجاد مصونیت برای افراد جامعه در مسیر کمال است که با مبارزه با آفت‌های درونی و بیرونی انسان در ابعاد گسترده حاصل می‌شود. پیامبران ناپاکی‌ها را زدوده سپس انسانها را رشد می‌دهند چراکه اندیشه پاک از درون پاک بر می‌خیزد.

۲) تعلیم کتاب: «یعنی بیان الفاظ و تفسیر معانی مشکل و مشتبه قرآن» (۱۳، ج ۱۹، ص: ۴۴۷)

۳) تعلیم حکمت: «یعنی معارف حقیقی قرآن را یاد دادن» (۱۳، ج ۱۹، ص: ۴۴۷) به عبارت دیگر تعلیم کتاب، بیشتر ناظر به بالا بردن دانش دینی مردم است و تعلیم حکمت، بیشتر به افزایش بینش و بصیرت مردم و عمق بخشیدن به دانش‌های دینی نظر دارد.

بنابراین وظیفه حاکمان دینی رشد فکری و اخلاقی انسان‌ها و آگاه ساختن آنان از مفاهیم بلند قرآن و آموختن و بیان نمودن واقعیات هستی و جهان بینی الهی است. ۳

۲.۵. شکستن زنجیرهای اسارت

اعراف آیه ۱۵۷: «پیامبری که بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود > از دوش و گردنشان < بر می‌دارد...»

« مراد از اغلال همان عهد و پیمان‌هایی است که بر گردن بنی اسرائیل بود که بسیار دشوار بود که به منزله غل و زنجیر بر گردن آنان محسوب می‌شد» (۱۲، ج: ۵ و ۴، ص: ۶۰۴) اما در تفسیر دیگر: « زنجیرهای اسارت، همان جهل و نادانی و بت پرستی و خرافات و تعصبات و زندگی طبقاتی و غیره بود یعنی همان استعمار و استثمار توده‌ها» (۲۴، ج: ۶، ص: ۴۰۰)

شهید مطهری در این باره می‌نویسد: « بارهای سنگینی از عادات و خرافات و غل و زنجیرهای روحی که بر نیروها و استعدادهای معنوی بشر گذاشته شده بود همان‌ها که نتیجه‌اش جمود، افسردگی، یاس و بدبختی بود رهبری یعنی مجهز کردن نیروها، تحریک نیروها، آزاد کردن نیروها و در عین حال کنترل نیروها و در مجرای صحیح انداختن آنها، سامان دادن، سازمان بخشیدن و حرارت بخشیدن به آنها» (۲۲، ج: ۳، ص: ۳۲۳)

بنابراین حکومت دینی وظیفه دارد انسان‌ها را به خود آورد تا ارزش خویش را باز یافته و شکل صحیح زندگی انسانی را انتخاب نمایند و خود را از زنجیرهایی که از انسان سلب آزادی می‌کند و استعدادهای شگفت و نیروهای عظیمی که در وجود بشر نهفته است را در بند می‌کشد و در نتیجه مانع حرکت به سوی کمال می‌شود نجات دهند. این زنجیرها از یکسو زنجیرهای داخلی یعنی هوسها و تمایلات مهار نشده است که از درون، اراده انسان را در بند می‌کشد و از سوی دیگر زنجیر خارجی است که استعمارگران هستند. و از همین جا فلسفه جهاد اصغر و جهاد اکبر در اسلام روشن می‌شود که برای پاره کردن همین زنجیرهای خارجی و داخلی است.

مؤید این ادعا، نامه پیامبر اسلام به اسقف و اهالی نجران است که فلسفه وحی را چنین تشریح می‌نماید:

« اما بعد فانی ادعوکم الی عبادہ اللہ من عبادہ العباد و ادعوکم الی ولایہ اللہ من ولایہ العباد...» (۲۰، ج: ۲۱، ص: ۲۸۵)

«من شما را از انسان پرستی به خدا پرستی می‌خوانم و از سرپرستی انسان به سرپرستی خدا دعوت می‌کنم...»

۲.۶. حاکمیت دینی و استقرار امنیت و عبادت خالصانه

نور آیه ۵۵: «خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همانگونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند آن‌چنان که

تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند آن‌ها فاسقانند».

طبق این آیه اهداف حکومت دینی عبارتند از:

- ۱) حاکمیت دین کامل و قوانین الهی بر همه اجتماع (مراقبت از حدود شریعت، باورها و اخلاق مردم)
 - ۲) استقرار امنیت در همه جا
 - ۳) برجسته شدن آثار شرک و بت پرستی و عبادت خالصانه پروردگار.
۳. اهداف حکومت دینی در روایات
- علاوه بر قرآن در روایات، نیز از اهداف حکومت دینی سخن به میان آمده است که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم.

۱. ۳. اقامه حق و دفع باطل

امام صادق (ع) می‌فرماید: «زمین خالی از پیشوا نمی‌ماند تا اگر افراد با ایمان مطلبی را در دین افزودند آن را رد کند و اگر کم کردند تکمیل نماید» (۱۹، ج: ۱، ح: ۸۰۵).

امام رضا (ع) نیز می‌فرماید: «اگر در جامعه اسلامی امامی حاکم و امین و حافظ نباشد شریعت مندرس و دین نابود و سنت دگرگون می‌شود» (۱۹، ج: ۱، ح: ۸۱۰).

امیرالمؤمنین علی (ع) در حال پینه زدن کفش کهنه‌اش از ابن عباس پرسیدند: قیمت این کفش چقدر است؟ او در جواب گفت: قیمتی ندارد حضرت فرمودند: «به خدا سوگند همین کفش بی ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوبتر است مگر اینکه حقی را با آن به پا دارم و یا باطلی را دفع نمایم» ۴

یعنی امام اساسی‌ترین وظیفه حاکم را اقامه حق و دفع باطل دانسته و حکومت را برای تحقق حق به دست گرفته است چون در سایه این وظیفه است که سایر اهداف سامان می‌یابد و زمینه برای سیر به سوی اهداف متعالی در حکومت دینی فراهم می‌شود.

۳.۲. برقراری نظم و وحدت در جامعه

امام رضا(ع) می فرماید: «ان الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزالمومنین» (۱۹، ج: ۱، ح: ۷۸۹).

«امامت باعث سرپرستی دین و سازمان یافتن امور مسلمین و آبادانی دنیا و عزت مومنین می شود».

و پیامبر اسلام نیز می فرماید: «از حاکمان خود اطاعت و حرف شنوی داشته باشید زیرا این امر باعث نظام و سازمان یافتن اسلام می شود» (۱۹، ج: ۱، ح: ۷۹۱).

امیرالمومنین نیز در این باره می فرماید: «جایگاه رهبر چونان ریسمان محکمی است که مهره‌ها را متحد ساخته به هم پیوند می دهد اگر این رشته‌ها از هم بگسلد مهره‌ها پراکنده و هر کدام به سویی خواهند افتاد و سپس هرگز جمع آوری نخواهند شد.» ۵
یعنی جامعه پراکنده و متفرق نمی تواند راه رشد و کمال را طی نماید و حاکم وظیفه دارد در جامعه دینی وحدت را حاکم نموده و خود عامل وحدت باشد و در نتیجه، زمینه را برای رشد و توسعه فراهم سازد.

۳.۳. تحقق عدالت

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «اول من یدخل النار امیر متسلط لم یعدل...» (۱۹، ج: ۶، ح: ۱۱۷۲۴).

اولین کسی که وارد جهنم می شود حاکم غیر عادل است...

امیرالمؤمنین علی(ع) نیز می فرماید:

«اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته رهایش می ساختم...» ۶

یعنی امام حکومت را برای تحقق و اقامه عدالت می پذیرد و برقراری عدالت هم به معنی اقامه حدود الهی است که در سایه آن نابسامانی‌ها اصلاح می شوند.

۳. ۴. عمران و آبادانی و تامین رفاه عمومی

حضرت علی(ع) می فرماید: «این فرمان بنده خدا علی امیرالمؤمنین به مالک اشتر پسر حارث است در عهدی که با او دارد هنگامی که او را به فرمانداری مصر برگزید تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد.»^۷

یعنی هدف حکومت دینی عمران، آبادانی بلاد، اصلاح حال مردم، جهاد با دشمنان و تقویت بیت‌المال به عنوان پشتوانه انجام این امور است.

۳. ۵. کسب رضایت مردم

امیرالمؤمنین خطاب به مالک اشتر می فرماید:

«دوست داشتنی ترین چیزها در نزد تو ... جلب خشنودی مردم باشد که همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می برد اما خشم خواص را خشنودی همگان بی اثر می کند.»^۸

یعنی باید با تعامل صحیح بین حکومت و مردم رشته الفت بین آنها و عزت دینی ایشان حفظ شود.

از مجموع مباحث مطرح شده استفاده می شود که ما در مورد بعثت انبیاء با دو دسته اهداف مواجهیم:

دسته اول: تأمین کمال مادی، شامل: امنیت، استقلال، آزادی، رفاه، آموزش، توسعه و عدالت اجتماعی تا حد رضایت مردم

دسته دوم: تأمین کمال معنوی، شامل: اجرای ارزشهای اخلاقی و تهذیب نفس تا حد رضایت خداوند.

واین چیزی جز جامع نگری در اهداف بعثت و حکومت های دینی نیست. اما برای تبیین بیشتر مساله، به بررسی دیدگاههای موجود در آن پرداخته و سپس دیدگاه خود را بیان خواهیم نمود.

۴. هدف حکومت دینی تأمین کمال مادی یا معنوی؟

با توجه به دو دسته اهداف مذکور، کدام یک در بعثت انبیاء و حکومت دینی موضوعیت دارد؟ آیا هر دو دسته یا یکی؟

در پاسخ به این پرسش دیدگاههای مختلفی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: ۹
۱- دیدگاه مادی گرا ۲- دیدگاه معنا گرا ۳- دیدگاه جامع نگر

۱. ۴. دیدگاه اول: دیدگاه مادی گرا

این دیدگاه می گوید هدف از بعثت انبیاء و حکومت دینی برقراری عدالت در دنیا است تا انسانها به سعادت می رسند که همانا تکامل مادی است برسد (یعنی همان اهداف دسته اول) و اعتقاد به خدا و معاد که اهداف دسته دوم هستند مقدمه فکری لازم برای اهداف دسته اول می باشند و هدف، پرداختن به امور معیشتی مردم است به عبارت دیگر «انبیاء اصلاح گر اجتماعی اند اما اهداف اخروی را به منزله ابزاری طرح نمودند تا برنامه اصلاح گری آنها قداست یافته و مقبول افتد به عبارت دیگر نبی در ارائه برنامه خویش با طرح مفاهیم قدسی و مسایل اخروی زبان انگیزشی را به کار برده است» (۱۷، ص: ۲۷۷)

پس فلسفه وحی تنها تکامل مادی است و تمام حقایق معنوی به تکامل مادی باز می گردد و حتی تا آنجا پیش رفته اند که می گویند زندگی پس از مرگ و بهشت و دوزخ امور اعتباری اند و مربوط به زندگی این جهانی و تکامل مادی است. «قیامت به گونه همه عناوین دیگر قرآنی، عنوانی اعتباری است و نمی توان برایش موضوعیت یافت و آن را هدف انسان متکامل دانست.» ۱۰

حتی برخی با برداشت نادرست از دیدگاه فلاسفه آنان را مؤید این دیدگاه معرفی نمودند چون حد وسط استدلال فلاسفه درباره بعثت، ظاهراً امری دنیوی است و همین امر باعث این برداشت نادرست شده است زیرا فلاسفه در نظریه نبوت می گویند بقای نوع بشر منوط به برقراری عدالت بر اساس قانون مدنی است و ضرورت وجود نبی ماخوذ از ضرورت برقراری عدالت اجتماعی است. ۱۱

به عنوان نمونه شیخ الرئیس ابو علی سینا در اثبات ضرورت نبوت، چنین استدلال می

کند: (۱، صص: ۴۴۱ و ۴۴۲)

- ۱- زندگی انسان به تنهایی اداره نمی‌شود.
 - ۲- برای اداره خوب زندگی وجود اجتماع ضروری است.
 - ۳- وجود جامعه بدون مشارکت همگانی دوام نمی‌یابد.
 - ۴- مشارکت همگانی به سنت و عدل نیازمند است (تنظیم مناسبات اجتماعی)
 - ۵- سنت و عدل جز به وسیله سنت گذار و معجری سنت، ممکن نیست.
 - ۶- سنت گذار و معجری سنت در جامعه باید انسان باشد اما نه انسان معمولی بلکه انسان برتر.
 - ۷- خداوند حکیم تمام نیازهای بشر را در آفرینش پاسخ داده است. و هیچ نیازی از جمله حاجت انسان به سنت گذار (پیامبر) را بی پاسخ نگذاشته است.
- در نتیجه، چون وجود سنت گذار (پیامبر) ممکن است لذا امکان ندارد خداوند حکیم وجود انسان سنت گذار (پیامبر) و عدالت گستر را در جامعه بشری اراده نکند.
- در حالیکه منظور ابن سینا خلاصه نمودن اهداف بعثت انبیاء در امور اجتماعی و دنیوی و نفی امور اخروی نیست و نمی‌خواهد دیدگاه اول را ثابت نماید.

۱. ۱. ۱. نقد دیدگاه اول

۱. در تعالیم انبیاء آنقدر بر تعالی معنوی و سعادت اخروی انسان‌ها تاکید شده و مفاهیم قدسی و اخلاقی مطرح گردیده است که تبعی بودن آنان را نفی می‌کند و نمی‌توان پذیرفت که این همه تاکیدها صرفاً جنبه ابزارگونه داشته و جزء اهداف اصلی انبیاء نبوده است.
۲. پذیرش این دیدگاه با جایگاه والای انبیاء که انسان‌هایی کامل و معصوم و مرتبط با وحی هستند سازگار نیست زیرا آنها را در حد مصلحان اجتماعی تنزل داده و برای آنان رسالتی فراتر از رسالت مصلحان اجتماعی قائل نمی‌شود.
۳. رابطه تنگاتنگ دنیا و آخرت در نصوص دینی، فراوان مطرح شده است به گونه

ای که جایگزین کردن هر یک به جای دیگری شدیداً نکوهش می‌شود.
۴. این دیدگاه مستلزم سکولاریزه کردن دین است و تصویری ابزارگونه از دین ارائه می‌دهد که با محتوای بعثت و عملکرد پیامبران سازگار نیست.
به عبارت دیگر «بازگشت این دیدگاه به لیبرالیسم و سوسیالیسم است زیرا هدف دولت در لیبرالیسم تامین نظم، امنیت، عدالت، رفاه، توسعه اجتماعی و رضایت مردم است. و هدف دولت در سوسیالیسم تامین اهداف فوق به شرط برابری است» (۲۱، ج: ۲، ص: ۳۳۵).

۲. ۴. دیدگاه دوم: دیدگاه معناگرا

براساس این دیدگاه هدف اصلی انبیاء و حکومت دینی کمال معنوی و رسیدن به خداست یعنی همان اهداف دسته دوم
اما چون اهداف دسته اول، مقدمه آن می‌باشند هدف حکومت دینی از باب ضرورت به آن تعلق گرفته است و الا هدف انبیاء و حکومت دینی تکامل معنوی و منحصر به جهان پس از مرگ است و پیامبران کاری به زندگی مادی و اموری که در رابطه با این جهان است ندارند. اما چون انسان ضرورتاً اجتماعی زندگی می‌کند و عدالت و ارزشهای اجتماعی برای مسیر کمال معنوی او لازم است، انبیاء به عنوان مقدمه به آن می‌پردازند نه اینکه ارزش ذاتی داشته و مربوط به وظیفه آنها باشد. طرفداران این دیدگاه می‌گویند:
«در کلمات معروف حضرت علی (ع) به خوارج و نیز در عهد نامه معروف به مالک، نقش حکومت اسلامی در چهار بند خلاصه می‌شود:

(۱) جمع آوری مالیات (۲) ایجاد ارتش برای دفاع (۳) عمران و آبادی شهرها (۴) اصلاح امور مردم (حاکمیت قانون). برای تبلیغات دینی و تلاشهای اعتقادی که مربوط به خود مردم است و باید به دور از قدرت حکومتی باشد نقش و وظیفه‌ای برای دولت قائل نشده است» (۶، ص: ۱۱۵)

یکی دیگر از طرفداران این دیدگاه می‌نویسد:

«حکومت دینی از آن حیث که دینی است دنیای مردم دینی را به طور حداقلی آباد می‌کند حکومت دینی مکلف نیست مردم را با زنجیر به بهشت ببرد تنها خدمت حکومت

دینی این است که مردم را از قید نان و دارو و مسکن و حاجات اولیه برهاند تا مجال تامل و غور در حاجات ثانویه (حاجات لطیف نظیر هنر، دین، معنویت و ...) از جمله ایمان‌های لطیف معنوی برای آنان فراهم شود و از طریق مختارانه و آزادانه سعادت اخروی خود را تامین کنند.» (۱۱، ص: ۱۸۱)

وی در ادامه می‌گوید:

«حکومت در اصل و در ماهیت، بشری است یکی از صفات این حکومت که بشری است دینی بودن آن است دینی بودن حکومت اقتضای حداقل خدمات را دارد اما حکومت بودن حکومت می‌تواند رفاه‌های بیشتری را هم اقتضا کند.» (۱۱، ص: ۱۸۱)

طرفداران این دیدگاه سعی می‌کنند کلمات عده‌ای از قدمای متکلمین و فلاسفه را در باب بعثت انبیاء به نفع خود مصادره نمایند مانند:

۱. کلام خواجه نصیرالدین طوسی

ایشان می‌نویسد:

« پیامبر انسانی بر انگیخته شده از جانب خدا به سوی بندگانش است تا آنها را از طریق شناساندن آنچه در طاعت خدا و در دوری از معصیت به آنها نیازمندند به کمال برساند و آن‌گاه آنها را بر طاعت خداوند و دور کردن آنها از معصیت تحریک و ترغیب نماید.» (۱۴، ص: ۸۷)

این تصویر از نبی غالباً در تقابل با تفسیر دنیا گرایانه انگاشته شده است و به معنی اصلاح آخرت تفسیر شده است.

۲. کلام غزالی

وی در الاقتصاد فی الاعتقاد نبی را مانند طبیعی می‌داند که به درمان بیماری‌های اخلاقی و امراض قلبی آنها می‌پردازد. (۱۶، ص: ۲۱۴)

یعنی جهت‌گیری انبیاء اخلاقی و طیب انگاری است که در مقابل دنیا گرایی قرار

می گیرد.

همچنین غزالی در «المتقذ من الضلال» می نویسد:

«فالنوه ایضاً عباره عن طور يحصل فيه عين لها نور يظهر في نورها الغيب و امور لا يدر كها العقل» (۱۵، ص: ۶۷)

یعنی انبیاء نور و سراج منیرند و کارشان اخراج مردم از ظلمات به نور است (نور هدایت و معنویت).

علاوه بر تئوری‌های سیاسی مسیحیت که هدف دولت را در کمال معنوی و سعادت اخروی می‌داند در میان معاصرین نیز مهندس بازرگان و دکتر عبدالکریم سروش و دکتر مهدی حائری یزدی از طرفداران این دیدگاه هستند و می‌گویند پیامبران در فکر اداره جامعه بشری نبوده و برای اصلاح بشر نیامده‌اند و از فرامین آنها نباید انتظار اصلاح دنیا را داشت. پیامبران آمدند تا انسان‌ها را از خود محوری نجات بخشیده و حیات جاوید را به اطلاع آنان برسانند زیرا این دو از اموری است که بشر نمی‌تواند با عقل خویش بدان دست یابد. بنابراین اموری نظیر اصلاح جامعه که بشر خود از عهده آن بر می‌آید جزء تعالیم پیامبران نمی‌باشد.

مهندس بازرگان بعد از آن که عمل و رسالت پیامبران را در انقلاب علیه خود محوری‌ها و اعلام دنیای آینده جاودان خلاصه می‌کند می‌گوید:

«شایسته خدای خالق و فرستادگان پیام آوران او حقاً و منطقاً می‌باید در همین مقیاس‌ها و اطلاعات و تعلیماتی باشد که دید و دانش انسان‌ها ذاتاً و فطرتاً از درک آن عاجز و قاصر است و دنیای حاضر با همه ابعاد و احوال آن، اجازه ورود و تشخیص آنها را به ما نمی‌دهد و الا گفتن و آموختن چیزهایی که بشر دارای امکان کافی یا استعداد لازم برای رسیدن و دریافت آن هست چه تناسب و ضرورت می‌تواند داشته باشد؟» (۷، ص: ۴۸)

دکتر سروش نیز می‌نویسد:

«حیات فانی ما که مقدمه حیات جاوید است شأنی تبعی دارد و اصالت با حیات دیگر است و دین هم رسالتش اولاً وبالذات متوجه آن است و تدبیر دنیا رابه عقلا وانهاده

است از زراعت و صنعت گرفته تا حکومت و سیاست» (۱۰، ص: ۴۸)

در جای دیگر می‌نویسد: «حکومت دینی مکلف نیست مردم را با زنجیر به بهشت ببرد تنها خدمت حکومت دینی این است که مردم را از قید نان و دارو و مسکن و حاجات اولیه برهاند تا مجال تأمل و غور نمودن در حاجات ثانویه و از جمله ایمان‌های لطیف معنوی برای آنان فراهم شود» (۱۱، ص: ۸۱)

«به هر حال تمام مطلب این است که هدف گیری دین غیر ایدئولوژیک، معطوف به آخرت و تامین سعادت اخروی است و دنیا به آن میزانی که به کار سعادت اخروی می‌آید یا در کار آن مزاحمت می‌کند مورد نظر دین واقع می‌شود» (۱۰، ص: ۱۱)

همچنین دکتر حائری یزدی می‌نویسد: «..... به عبارت دیگر حکومت به اصطلاح سیاسی خود با ماهیت دین مبین اسلام که وحی جاودانه الهی است مابینت دارد» (۹، ص: ۱۵۳)

۱. ۲. ۴. نقد دیدگاه دوم

در پاسخ به استدلال‌های دیدگاه دوم می‌توان گفت:

۱. تکیه نصوص دینی برمسأله آخرت، نافی پرداختن به اموردنیایی - به گونه ای که مغایر با سعادت جاودان اخروی نباشد - نیست. حکومت دنیوی به عنوان مطلوب نهایی، اندک ارزشی ندارد، ولی برای اجرای عدالت و برقراری قسط و حاکمیت ارزشهای دینی، بسیار مطلوب و پسندیده است. چنانکه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:
«به خدا سوگند این کفش کهنه از نظر من بیش از حکومت بر شما ارزش دارد، مگر اینکه حقی را برپا دارم و باطلی را ریشه کن سازم» ۷
۲. از نظر نصوص دینی، دنیا و آخرت باهم رابطه تنگاتنگ دارند و پرداختن به یکی و وانهادن دیگری، سخت مذموم است.
۳. حکومت، یکی از مهمترین ضرورت‌های حیات اجتماعی انسان است و بدون آن زندگی امکان پذیر نیست. اگر حکومت و زمامدار صالحی در کار نباشد جامعه

گرفتار حکومت ناصالح خواهد شد. (لابد للناس من امیر بر او فاجر)
از آنجایی که قرآن پیروی از حاکمان و نظامهای ناصالح و غیرالهی را منع کرده
است، لاجرم گریزی از تأسیس «حکومت صالحه» باقی نمی‌ماند. سیره پیشوایان دین نیز این
بوده است که هرگاه شرایط عقلی و شرعی تشکیل حکومت فراهم بوده است،
هرگز در تشکیل آن درنگ نمی‌کردند.

۴. برخلاف دیدگاه دوم، حکومت درنگاه قرآن ریشه دینی دارد و یکی از اهداف
بعثت پیامبران نیز برقراری قسط و عدالت اجتماعی و به عبارت دیگر بنیانگذاری «جامعه
دینی» و «عدالت پیشه» است نه صرف رابطه فردی انسان با خدا.

۵. مشاهده وجود دموکراسی در حکومت پیامبر (ص) و امام علی (ع) نافی وجه دینی
آن نیست، بلکه اساساً حکومت دینی، سرشتی خدایی و مردمی دارد.

۴.۳ دیدگاه سوم: دیدگاه جامع‌نگر

این دیدگاه می‌گوید هدف حکومت دینی، هم دسته اول و هم دسته دوم است یعنی
هم تأمین کمال مادی ارزش ذاتی دارد و هم تأمین کمال معنوی. چون تکامل یعنی کلیه
نیازهای مادی و معنوی انسان به طور متعادل و هماهنگ برآورده شود زیرا جسم و روح و
امور دنیوی و اخروی با هم تاثیر متقابل دارند.

« به عبارت دیگر همانگونه که جسم و روح از یکدیگر جدا نیست قانون تکامل
مادی و معنوی او هم تفکیک ناپذیر است لذا در مکتب وحی قانون و برنامه خاصی برای
تکامل مادی و برنامه خاص دیگر برای تکامل معنوی وجود ندارد (عکس دیدگاه دوم)
بلکه تکامل معنوی و مادی انسان در هم ادغام شده و یک قانون، متضمن هر دو نتیجه است
و با اجرای آن، تکامل مادی و معنوی انسان یکجا بوجود می‌آید یعنی مادیت در دل
معنویت نهاده شده و معنویت از درون مادیت می‌جوشد. مانند کامیابی جنسی که اگر
مشروع باشد باعث تکامل معنوی و ... می‌شود و یا فعالیت‌های اقتصادی برای سازماندهی
زندگی مادی با قصد قربت عبادت است .

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «العباده سبعون جزءاً افضلها جزءاً طلب الحلال» (۲، ج: ۱۲،

ص:۱۳) عبادت ۷۰ جزء دارد که برترین جزء آن کسب روزی حلال است. یا بر عکس نماز که معراج مؤمن است در حیات مادی انسان هم تاثیر دارد و باعث پاک شدن جامعه از آلودگی‌ها و جنایت و ستم می‌شود.» (۱۸، ص:۹۰)

براساس این دیدگاه حیات بشری در تمام ابعاد آن دینی و قدسی می‌شود البته این به معنای دنیوی کردن دین یا جمع بین دین و دنیا و ابزار انگاری دین نیست بلکه به معنی دینی کردن همه ابعاد حیات بشر است یعنی در تمام ابعاد بشر خود را در مسیر طاعت و فرمان الهی قرار دادن، و از همین جا نیاز بشر به فقیه و کارشناس دین روشن می‌شود تا مشروعیت حیات دنیوی مؤمن تضمین گردد.

خلاصه اینکه در دیدگاه جامع نگر، هدف بالذات و قصد اولی انبیاء، هدایت و معرفت الهی است اما تحقق این هدف

در جامعه بشری مستلزم اتخاذ اهداف بالعرض مانند تاسیس حکومت و اصلاح نظام معیشتی است. البته بالعرض بودن حکومت به معنای فرعی بودن آن نیست تا با وظیفه انبیاء نامربوط باشد بلکه به این معناست که پرداختن به اصلاح دنیا و ظلم ستیزی در سایه حکومت دینی از اهداف رسالت است اما به قصد ثانوی یعنی شرط لازم اصلاح آخرت است و از آن قابل انفکاک نیست.

به عبارت دیگر حیات بشری، لوازم و اقتضائات گریز ناپذیری دارد که با دعوت انبیاء (اهداف بالذات انبیاء) سازگار نیست مانند خودخواهی، حب ذات، استخدام گری، ستیزه‌جوئی، و غیره که از طبیعت بشر است و در شکل اجتماعی به صورت ظلم و استبداد تجلی می‌یابد و انسان را از معنویت و خدا دور می‌سازد و مانع تحقق اهداف بالذات انبیاء می‌گردد بنابراین انبیاء باید اصلاح معیشت دنیوی مردم و مناسبات اجتماعی آنان را نیز در سرلوحه برنامه خویش قرار دهند و به قصد ثانوی به آن پردازند لذا اهداف دسته دوم نیز جزء اهداف بعثت و حکومت دینی محسوب می‌گردند.

طبق این دیدگاه تمام شئون حیات بشری اعم از دنیوی و اخروی مورد خطاب پیامبران است و دعوت انبیاء هر دو زمینه حیات آدمی را فرا می‌گیرد. چون بدون

اصلاحات اساسی اجتماعی و صرفاً با پند و اندرز نمی‌توان به اصلاح رفتارها و اخلاقیات مردم و توجه آن‌ها به آخرت پرداخت. آیا در جامعه‌ای که فقر، تبعیض، ظلم، و ده‌ها فساد دیگر وجود دارد می‌توان به رواج دیانت پرداخت؟ مبارزات پیامبران با مفاسد اجتماعی مؤید همین ادعاست.

این دیدگاه طرفداران بسیاری دارد که به سخن برخی از آنها اشاره می‌نمایم.

۱. ابن میثم بحرانی:

وی نبی را چنین تعریف می‌کند:

«نبی انسانی است که برای اصلاح احوال انسان‌ها از جهت زندگی دنیوی و اخروی از

آسمان ماموریت یافته است» (۸، ص: ۱۲۲)

۲. محمد رضا مظفر:

وی در عقائد الامامیه می‌نویسد:

«مامعتقدیم که نبوت یک وظیفه الهی و نیابت ربانی است که خداوند این مقام را به

برگزیده‌های خودش ... در میان بندگان و اولیای صالح و کامل خود می‌بخشد پس آنها را

به سوی مردم فرستاده است تا مردم را به سوی نیکی‌ها رهنمون گردانند، آنان را از خوی

زشت به سوی آداب و رفتار درست هدایت نمایند، حکمت و معرفت را تعلیمشان دهند،

رستگاری را به آنان بنمایاند تا به وارستگی و مقام بلند انسانیت و به درجاتی در دنیا و

آخرت دست یابند.» (۲۳، ص: ۴۸)

۳. علامه طباطبایی:

وی می‌نویسد:

«به تحقیق شناختی که دین اساس شرایع خود را جسم تنها قرار نداده بلکه جسم و

روح هر دو را منظور داشته است...

اسلام در تشریحش تنها کمالات مادی را در نظر نگرفته بلکه حقیقت وجود بشر را نیز

منظور داشته و اصولاً اساس شرایع خود را بر کمال و رشد روحی و جسمی هر دو باهم قرار

داده و سعادت مادی و معنوی هر دو را خواسته است.» (۱۳، ج: ۲، ص: ۱۲۳)

۴. امام خمینی :

ایشان می گوید:

«لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و حفظ نظام و جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان از بدیهی ترین امور است.» (۴، ص: ۲۴)

از دیدگاه ایشان «اسلام فقط عبادت نیست فقط تعلیم و عبادت و امثال اینها نیست اسلام سیاست است.» (۵، ج: ۵، ص: ۱۰۷)

بنا بر این طبق دیدگاه جامع نگر، نبی برای بیان اصلاح دنیا و آخرت بشر آمده است و انسان در تنظیم مناسبات اجتماعی خود و نیز در وصول به سعادت اخروی و تصحیح رابطه خویش با خدا و آخرت به انبیاء نیاز دارد.

و حکومت دینی که استمرار حرکت انبیاء و امامت است دارای هدف دینی و تربیتی است.

از همین جا مسیر حکومت دینی از حکومت غیر دینی مانند لیبرال و غیره جدا می گردد چون در حکومت های غیر دینی حاکم نقشی در هدایت دینی و تربیت معنوی مردم ندارد و آخرت مردم ارتباطی با حکومت نداشته و حکومت موظف است تنها دنیای مردم را اصلاح نماید.

۵. فلسفه نهایی بعثت و حکومت دینی

تاکنون با استفاده از آیات و روایات و کلام دانشمندان دو دسته از اهداف را برای بعثت انبیاء و حکومت دینی ثابت نمودیم که برخی مربوط به دنیا و برخی مربوط به آخرت بوده است. حال سؤال اساسی این است که اهدافی که برای انبیاء بر شمردیم آیا همگی خود هدف نهایی اند؟ یا مقدمه یک هدف نهایی و فلسفه غائی اند؟

آیا پیامبران دارای چند هدف بوده اند یا اینکه یک هدف آنان اصلی و سایر اهداف مقدمه آن بوده اند؟ به عبارت دیگر

آیا اهداف مذکور رابطه عرضی با یکدیگر دارند یا طولی؟

در پاسخ باید گفت که تمام این اصول و اهداف، هرچند خود فلسفه و هدف بعثت‌اند ولی فلسفه و هدف نهایی نیستند بلکه مقدمه فلسفه نهایی بعثت محسوب می‌شوند. ضمن این که بعضی از همین اهداف نسبت به بعضی دیگر مقدمه‌اند یعنی نسبی بوده و رابطه طولی دارند مثلاً تشکیل حکومت مقدمه است برای اقامه عدل و اقامه عدل مقدمه است برای امنیت و رفاه و تزکیه.

امام خمینی (ره) در این زمینه می‌گوید: «کوشش‌هایی که انبیاء می‌کردند و جنگ‌هایی که با مخالفان در راه حق می‌کردند و خصوصاً جنگ‌های که در صدر اسلام واقع شد مقصد، جنگ نبوده است و مقصد کشور گشایی هم نبوده مقصد این بوده است که یک نظام عادلانه در آن احکام خدا جاری بشود.» (۵، ج: ۱۵، ص: ۹۶)

یکی از محققین نیز در این باره می‌نویسد:

«خداوند پیامبران را فرستاد تا مردم را به سوی نیکی‌ها ارشاد نمایند و از خوی زشت به سوی آداب و رفتار درست هدایت نمایند، حکمت و معرفت را تعلیم دهند و رستگاری را به آنان بنمایانند تا به وارستگی و مقام بلند انسانیت دست یابند.» (۲۳، ص: ۴۸)

یعنی اهداف مذکور در بعثت انبیاء، همگی مقدمه‌اند تا انسان به مقام بلند انسانیت و سعادت در دنیا و آخرت برسد و نتیجه و ثمره تمام اهداف انبیاء در نیل به کمال لایق انسانیت و سعادت در دنیا و آخرت خلاصه می‌گردد. بنابراین هدف و فلسفه نهایی بعثت، تربیت انسان است یعنی انسان بالقوه را بالفعل نمودن و موجودی خداگونه و کامل پروریدن.

امام خمینی در این باره می‌گوید: «آنچه انبیاء برای او مبعوث شده بودند و بقیه کارهای دیگر مقدمه اوست بسط توحید و شناخت مردم از عالم است که چطور است. ارائه عالم به آن طوری که هست نه به آن طوری که ما ادراک می‌کنیم.» (۵، ج: ۱۹، ص: ۱۷۱)

یعنی همان ربوبیت و عبودیت خدا که اراده انسان در اراده حق فانی می‌شود. چنانکه یکی از محققین می‌نویسد:

«انی جاعل فی الارض خلیفه، یعنی همان انسان کامل که فلسفه نهایی بعثت تربیت

چنین انسانی است و تکامل جز از راه اطاعت و بندگی خدا و بکار بستن اصول تکامل و گردن نهادن به قوانین تکامل آفرین محقق نمی‌شود این یعنی اراده انسان در اراده خدا فانی بشود و هدف حقیقی که همان توحید و کمال انسان و شناخت خدا و قرب اوست محقق گردد» ۱۲

با این نگاه حکومت دینی یک ضرورت مقطعی و عصری نیست بلکه یک انتخاب برآمده از دین است زیرا زندگی توأم با عدالت که ارزشهای تکامل دهنده انسان بر آن سایه افکنده باشد جز در سایه حکومت دینی که مبانی خود را از سرچشمه دین جامع و جاودانه اسلامی می‌گیرد امکان پذیر نیست.

۶. نتیجه گیری

از مجموع مباحث گذشته استفاده گردید که تمام حکومت‌ها برای خود اهداف تعریف شده‌ای در نظر دارند و بر اساس آن به اعمال حاکمیت می‌پردازند. اما در پاسخ به این سؤال که اهداف حکومت دینی چیست؟ بیان گردید که حکومت دینی دارای دودسته اهداف است:

۱- اهداف عام

۲- اهداف خاص

منظور از اهداف عام اهدافی است که تمام حکومتها از جمله حکومت دینی به دنبال آن هستند و مقصود از اهداف خاص اهدافی است که تنها حکومت اسلامی با توجه به ماهیت خود و نوع نگرشی که به زندگی انسان دارد به دنبال آن است در حالی که دیگر حکومت‌ها به آن به عنوان هدف نمی‌نگرند.

اهداف عام حکومت دینی عبارتند از:

تأمین امنیت، قدرت، توسعه عدالت اجتماعی، رفاه، آموزش، آزادی، رضایت مردم و غیره. (تأمین کمال مادی مردم)

اهداف خاص حکومت دینی عبارتند از:

تأمین کمال معنوی و سعادت اخروی، اجرای ارزشهای اخلاقی، تهذیب نفس و غیره. (تأمین کمال معنوی مردم)

در حکومت دینی اهداف عام مقدمه واجب اهداف خاص هستند. یعنی تأمین ابزار کمال مادی مقدمه تأمین کمال معنوی مردم است. و از همین جا حکومت دینی، از سایر حکومت‌ها جدایی‌ناپذیر می‌شود.

به عبارت دیگر، هدف حکومت دینی نشان دادن اصول و ارزشهای است که تأثیر کلی در جامعه عمل پوشاندن به خواسته‌های عدالت محور دین دارند. در حقیقت حکومت دینی برای اجرای عدالت است «لیقوم الناس بالقسط» اما با این نگرش که قوانین اسلامی، قانونهای عادلانه اند، زیرا از سوی خداوند عادل نازل شده و خداوند عادل جز به عدل، قانون وضع نمی‌کند. در حکومت دینی، اجرای قانونهای عادلانه خداوند به برقراری و پایداری عدالت در جامعه می‌انجامد. در نتیجه حکومت دینی مجری قانونهای عدل گستر خداوند است تا تدبیر زندگی مردم بر مدار عدالت خواهی به گردش درآید و انسانها به کمال نهائی خود نزدیک گردند.

یادداشت‌ها

۱. طاهری خرم‌آبادی، حسن، ولایت فقیه و حاکمیت ملت، تهران، انتشارات اسلامی، ص: ۷۵ (تلخیص).
۲. والی از ولی است که به معنای فرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد. ر.ک: راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص: ۵۳۳.
۳. ر.ک: بقره/۱۲۹، آل عمران/۱۶۴...
۴. نهج البلاغه، خطبه ۳۳.
۵. همان، خطبه ۱۴۶.
۶. همان، خطبه ۳۳.
۷. همان، نامه ۵۳.

۸. همان.
۹. درانتخاب عنوان دیدگاههای سه گانه از مقاله های زیراستفاده شده است: فرامرزقراملکی، احد، (۱۳۷۶)، «مبانی کلامی جهت گیری انبیاء»، کتاب نقد، شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان، ص: ۲۷۷. و مصلح زاده، مصطفی، (۱۳۷۷)، «امام خمینی، تثو کراسی و دمو کراسی»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و احیاء تفکر دینی، ج، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ص: ۳۳۶.
۱۰. توحید در ابعاد گوناگون، ص: ۳۱۷، به نقل از: محمد محمدی ری شهری، فلسفه وحی و نبوت، ص: ۸۵.
۱۱. حکیمان و فیلسوفان همگی همین مینارا برگزیدند، مانند ملاصدرا در الشواهد الربوبیه، شیخ اشراق در التلویحات، و علامه طباطبائی در تفسیر المیزان.
۱۲. تلخیص از: محمدی ری شهری، محمد، فلسفه وحی و نبوت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص: ۱۳۰.

فهرست منابع

۱. ابن سینا، حسین، (۱۴۴۰)، الهیات شفاء، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی.
۲. الحرالعاملی، محمدبن الحسن، (۱۴۰۱)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳. امام خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، سروش ملکوتی (متن وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی)، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور، چاپ دوم.
۴. امام خمینی، روح الله، (۱۳۶۵)، شؤون و اختیارات ولی فقیه، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۵. امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
۶. بازرگان، عبدالعلی، (۱۳۷۸)، «مرزهای میان دین و حکومت»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های سمینار دین و حکومت در انجمن اسلامی مهندسين، دین و حکومت، تهران، انتشارات رسا، چاپ اول.
۷. بازرگان، مهدی، (۱۳۷۴)، «آخرت و خداهدف بعثت انبیاء»، کیان، سال پنجم، شماره ۲۸، آذر، دی و بهمن.
۸. حرانی، ابن میثم، (۱۴۰۶)، قواعد المرام، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
۹. حائری یزدی، مهدی، حکمت و حکومت.
۱۰. سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۵)، «ایدئولوژی و دین دولتی»، کیان، سال ششم، شماره ۳۱، تیر و مرداد.
۱۱. سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۸)، «تحلیل مفهوم حکومت دینی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های

- سمینار دین و حکومت در انجمن اسلامی مهندسين، دین و حکومت، تهران، انتشارات رسا، چاپ اول.
۱۲. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان، تحقیق و تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۱)، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ پنجم.
۱۴. طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۴۱۶)، قواعدالعقائد، با تحقیق علی ربانی گلپایگانی، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۵. غزالی، ابوحامد، المنقذ من الضلال، مجموعه رسائل الامام الغزالی، باحاشیه احمد شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۶. غزالی، ابوحامد، الاقتصاد فی الاعتقاد، (۱۴۲۱ق)، بیروت، دارالمکتبه الهلال.
۱۷. فرامرزق راملکی، احد، (۱۳۷۶)، «مبانی کلامی جهت گیری انبیاء»، کتاب نقد، شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان.
۱۸. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۵۸)، فلسفه وحی و نبوت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۶۲)، میزان الحکمه، (عربی)، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. مصلح زاده، مصطفی، (۱۳۷۷)، «امام خمینی، تئوکراسی و دموکراسی»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و احیاء تفکر دینی، ج ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ص: ۳۳۶.
۲۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا.
۲۳. مظفر، محمدرضا، عقائد الامامیه، المکتبه الاسلامیه الکبری.
۲۴. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهاردهم.